

پژوهشگر تاریخ معاصر: جمهوری آذربایجان تاریخش در دل ایران حضور دارد و باید از همین رهگذر تاریخ خود ...

جمهوری آذربایجان برای توجیه وضعیت نابسامان فرهنگی و تاریخی اش که از فقدان یک گذشته مستقل ناشی می شود یک دشمن را برای خود تعریف کند تا انحرافات آن را به آن نسبت دهد

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس تبریز

فیلسوف سیاسی و پژوهشگر تاریخ معاصر، تبریز را منشا تکوین ایران جدید عنوان کرد و افزود: دوران آگاهی جدید در تاریخ معاصر از این شهر آغاز شده است.

به گزارش نصر نیوز، سیدجواد طباطبایی در نشست تخصصی مکتب تبریز که در حاشیه سومین جشنواره کتاب سال تبریز برگزار شده بود با بیان اینکه ایران امروز، بخشی از ناحیه بسیار بزرگ جغرافیایی بوده که به تدریج از همدیگر جدا شده اند افزود: ایران امروز در قلب و مرکز این ناحیه واقع شده است و به رغم فراز و نشیب های تاریخی هنوز استواری و استحکام خود را حفظ کرده است.

وی خاطر نشان کرد: من از حدود سه دهه قبل با بررسی برخی مسائل مربوط به تاریخ ایران، دریافتم که آنچه ایران با آن روبروست نه مسائل، بلکه مشکلی است که از آن به مشکل ایران می توان یاد کرد.

وی ادامه داد: به لحاظ فلسفی "مشکل" به صورتی از وضعیت اطلاق می شود که دارای پیچیدگی های در هم تنیده باشد و جواب روشنی ندارد و نمی توان پاسخی دقیق به آن داد.

دکتر طباطبایی اضافه کرد: اما در بحث "مساله" ما با وضعیتی روبرو هستیم که به دلیل ساده بودن گزارها، می توان پاسخی روشن به دست آورد.

وی با تاکید بر اینکه ایران به عنوان یک مشکل مطرح است افزود: مباحث زیادی است که حول محور ایران به چشم می خورد و ایران را به عنوان یک مشکل مطرح می کند. امری که پاسخ به آن نیازمند بررسی های مختلف از ابعاد گوناگون است.

سیدجواد طباطبایی در سه جلد از آثارش با عنوان فرعی تاملی درباره ایران کوشیده است که این مساله را مورد بررسی قرار دهد و پاسخی روشن به آن بیابد. امری که به گفته خود وی بخشی ناچیز از آن انجام شده است و بخش بسیاری مهمی از آن انجام نشده است و در حال حاضر نیز بخشی از آن به صورت نیمه تمام در حال انجام است. او کتاب های «دییاجه ای بر نظریه انحطاط ایران»، «مکتب تبریز» و «نظریه حکومت قانون» در این راستا به مخاطبان خود عرضه کرده است.

وی در ادامه بحث خود در خصوص گستره چتر ایران فرهنگی اضافه کرد: از حدود سه دهه قبل دریافتم که آنچه از سوی شرق شناسان در خصوص ایران مطرح شده است و همواره از سوی آنان به عنوان یکی از ویژگی های ایران از آن یاد می کنند این نکته است که ایران به رغم پذیرش اسلام هرگز در متن عربیت محو نشد و کوشید فرهنگ زبانی خود را در این ورطه حفظ کرده و از آن پاسداری کند.

وی یاد آور شد: بسیاری از کشورهایی که اسلام را پذیرفته بودند، در متن عربیت حل شدند و فرهنگ خود را نیز از دست دادند. این باعث شد که در حال حاضر از آنها به عنوان بخشی از جهان عرب که هم هویت زبانی و هم هویت فرهنگی عربی دارند یاد شود.

سیدجواد طباطبایی ادامه داد: اما این مساله هرگز در مورد ایران اتفاق نیفتاد و ایران بر خلاف بسیاری از کشورهای آن زمان که اسلام را پذیرفته بودند زبانی محلی خود را نه تنها از دست نداد و زبان عربی به عنوان زبان علمی جهان اسلام، بر آن چیره نشد، بلکه توانست انسجام خود را حفظ کند و به عنوان یک زبان موفق در جهان اسلام ظاهر شود.

این فیلسوف سیاسی ادامه داد: البته در داخل گستره فرهنگی ایران، زبان هایی بودند که با چیره شدن زبان عربی بر فرهنگ آنها یا از میان رفتند یا به صورتی بسیار محدود، متکلمان آنها توانستند زبان خود را حفظ کنند.

وی با اشاره به اینکه زبان فارسی واجد ویژگی های ارزنده ای بود که توانسته بود به حیات معنوی و فرهنگی خود در زمان خود ادامه دهد افزود: ذکر این نکته شاید قابل توجه باشد که اگر زبانی جز زبان فارسی در این تقابل فرهنگی وجود می داشت، در مقابل یک فرهنگ تمدنی دیگر یا از میان می رفت و یا حیات آن دستخوش وضعیتی می شد که نمی توان به ادامه آن امیدوار بود.

دکتر طباطبایی با بیان اینکه زبان فارسی، زبان ملی ایران و گستره فرهنگی ایران بزرگ بود افزود: این زبان علاوه بر این زبان تفکر و فرهنگ ایرانی بود و توانسته بود به عنوان زبان دوم جهان اسلام خودش را معرفی نماید و در دوره اسلامی موجب درخشش های تابناکی در حوزه فرهنگ و هنر شود.

وی با اشاره به سيطرة زبان فارسی در متن فرهنگ اسلامی افزود: یکی از دانشمندان و متکلمان جهان عرب، در قرون اولیه تمدن اسلامی عنوان کرده است که: «اللغه لنا و المعانی لهم». یعنی زبان از آن ماست و معنا و مفهوم از آن آنها.

این تاریخ نگار در مورد اهمیت این مساله خاطر نشان کرد: آنچه در این راستا اهمیت دارد تداوم فرهنگ و تفکر ایرانی است که ایران را سرپا نگاه داشت و توانست به بسط اسلام در همین مرزها کمک کند.

وی در تشریح آنچه که از آن به عنوان گسترش معنا دار زبان فارسی در متن فرهنگ اسلامی یاد می کرد گفت: این زبان خیلی زود جای خود را در فرهنگ اسلامی باز کرد و توانست به عنوان زبان تحقیقاتی جهان اسلام شناخته شود. اهمیت این امر زمانی برجسته می شود که تسلط به این زبان امتیازی برجسته و قابل تقدیر از سوی دانشمندان جهان اسلام قلمداد می شد.

دکتر سیدجواد طباطبایی با اشاره نظریه ویلیام دانالد هادسن، مستشرق در خصوص ایران و واقعیت تاریخی آن خاطر نشان کرد: این مستشرق در خصوص ویژگی فرهنگی ایران می گوید که ایران ورای مرزهای جغرافیایی و تاریخی خود گسترانده شده است و به عنوان جوامع ایرانی مطرح است.

وی ادامه داد: آنها شاید به لحاظ ملتی ایرانی نباشند، اما تفکر و فرهنگ ایرانی در آن سيطرة دارد که از عثمانی تا هند گسترده شده است.

وی ادامه داد: استدلال این شرق شناس غربی که هیچ تعلق خاطر ناسیونالیستانه ای نسبت به ایران و این فرهنگ ندارد و خارج از این مجموعه به فرهنگ ایرانی می نگرد این است که فرهنگ ایرانی مآبی در تمام سيطرة این سرزمین گسترده شده است و در آن تأثیرات فراوانی شده است.

این نویسنده و تاریخ نگار افزود: در مقطعی از تاریخ حتی شاه عثمانی هنگام مکاتبه با ایران به رغم آنکه می توانست به زبان ترکی مکاتبه کند اما به دلیل جایگاه ارزنده زبان فارسی به زبان فارسی نامه نگاری می کرد تا نشان دهد نسبت به آن فرهنگ تسلط دارد و بر ابعاد زبانی آن مسلط است.

وی ادامه داد: این نشان می دهد که آسیای میانه تا مرز اروپا چیزی را در چپته دارد که نشان از اقتدار و قدرت آن است و با الگویی جهان را می نگرست که اساس آن ایرانی است.

به گفته وی زبان های دیگری که در جهان اسلام حضور داشتند بر مبنای زبان فارسی ایجاد شده و گسترش یافته اند. وی زبان ترکی را نمونه ای از این زبان ها یاد کرد که براین مبنای ایجاد شده اند. هر چند این زبانها زبان علمی و فرهنگی اسلام نبوده اند.

وی با بازگشت به بحث مبنایی خود تحت عنوان مشکل ایران، گفت: پاسخ به مشکل ایران بی نظریه ای مقتدری که بتواند به این مشکل تشریح کند، امری دشوار است. طباطبایی گفت: بعد از اسلام نظریه رایج حکومتی که در جهان اسلام گسترده شد نظریه خلافت بود که با اندکی تاخیر وارد فرهنگ سیاسی ایران شد.

وی افزود: این نظریه توسط یک دانشمند اهل بصره بنام ابوالحسن ماوودی ارائه شد. بصره در آن زمان تحت سیطره فرهنگ ایرانی بود و توانست با ارائه این نظریه به پیشرفت و توسعه فرهنگ اسلام کمکی شایان نماید. به گفته وی، این متفکر اسلامی، در کتاب دیگر با عنوان «کتاب الوزرا» که نظریه ایرانی وزرات است کوشید نقشی مهم در سپهر فرهنگ و تمدن اسلامی ایجاد نماید.

دکتر طباطبایی یاد آور شد: از این روز ایران بیش از آنکه یک واقعیت سیاسی باشد یک حوزه گسترده فرهنگی وسیع است که ما در حال حاضر در قلب این کانون فرهنگی قرار گرفته ایم.

وی با اشاره به پیچیدگی های تاریخ ایران افزود: با این رویکرد است که از ایران به عنوان یک مشکل یاد می کنیم. چرا که ما یک تاریخ واقعی داریم که بر مبنای رویدادهای پر فراز و نشیب تقریر شده است و حوادث منبعث از آن نیز تحت تاثیر آن قرار گرفته است.

وی با طرح این نکته که ما از یک تاریخ غنی و پایدار برخورداریم افزود: این واقعیتی است که ما در کنار همسایگانی زندگی می کنیم که تاریخ منسجمی ندارند و با جعل تاریخ می کوشند برای خود هویت دست و پا کنند.

دکتر طباطبایی ادامه داد: این کشورها تاریخشان از یک نقطه به خصوص آغاز می شود و تاریخ آنها فرعی بر تاریخ ایرانی است و به عنوان یک نمونه تاریخ ادبیات عثمانی فرعی بر تاریخ ادبیات ایران است.

وی با طرح این سوال که «چه اتفاقی افتاد؟!» بحث خود را با بررسی تاریخ کشورهای همسایه ادامه داد.

دکتر طباطبایی با اشاره به تکوین ترکیه جدید افزود: مهمترین اتفاقی که جریان این امر روی داد، این بود که با قطع کردن بند ناف و اتصال آن با ایران فرهنگی تلاش کرد تاریخی نو برای خود دست و پا کند.

به گفته وی طرح مباحث اسطوره ای، نظیر دده قورقود و قلمداد آن به عنوان یک حماسه ملی تلاش کردند خود را با این فرهنگ بیگانه نشان دهند تا از رهگذر این نقطه اتصال تاریخی جدید برای خود دست و پا کنند.

دکتر طباطبایی با اشاره به خاطره دیدار دکتر محمدعلی فروغی و آتاتورک در ترکیه افزود: آتاتورک با اعتراف به اینکه عرض اندام در برابر کشور که با بهره مندی از حضور شاعرانی چون فردوسی و سعدی گفته بود که ما چاره ای جز جعل تاریخ نداریم و این مهم یعنی جعل تاریخ نیز برای ما به عنوان ملتی که در تلاش برای ایجاد یک کشور جدید امری اجتناب ناپذیر است.

وی در ادامه با اشاره به حضور همسایه شمالی ایران خاطر نشان کرد: در شمال ایران نیز این وضعیت حاکم است: کشوری که تاریخش در دل یک کشور دیگر حضور دارد و باید از همین رهگذرتاریخ خود را تدوین نماید.

دکتر طباطبایی ادامه داد: جمهوری آذربایجان همیشه با طرح این نکته که بخشی از خاک خود را در سرزمین ایران تعریف کرده است درصدد این است که تاریخ این سرزمین را نیز به تاریخ جمهوری آذربایجان اضافه کند.

وی افزود: در تریبون های رسمی جمهوری آذربایجان از منطقه آذربایجان ایران به عنوان آذربایجان جنوبی یاد می شود. در حالیکه همگان می دانند سرزمین های فعلی جمهوری آذربایجان بخشی از سرزمین ایران بوده اند که به دنبال قراردادهای ایران و روسیه از ایران جدا شده اند.

دکتر طباطبایی ادامه داد: این کشور علاوه بر این ناچار است برای توجیه وضعیت نابسامان فرهنگی و تاریخی اش که از فقدان یک گذشته مستقل ناشی می شود یک دشمن را برای خود تعریف کند تا انحرافات آن را به آن نسبت دهد.

وی گفت: مقامات این کشور، ارمنی ها را دشمن عمده این خطه از اقلیم ایران فرهنگی معرفی می کنند و همه موانع تاریخی و فرهنگی را به این کشور نسبت داده اند.

این نویسنده و فیلسوف سیاسی با اشاره به برنامه های دولت آذربایجان برای بزرگداشت حیدرعلی اف رهبر پیشین جمهوری این کشور افزود: در سالگرد درگذشت وی یک هفته تمام برنامه هایی برای وی برگزار شد که نشان دهد فردی چون او بود که توانست جمهوری آذربایجان را تبدیل به یک کشور نماید.

وی در ادامه با اشاره به اصطلاح مکتب تبریز که عنوان دومین جلد از آثار سه گانه وی درخصوص تاملی درباره ایران است گفت: پیشینه تجدد طلبی و مشروطه خواهی برخلاف تاریخی رسمی که از این رخداد مهم سیاسی وجوددارد پیشینه ای بیش از 110 سال دارد و می توان ریشه های آن را به بیش از 150 تا 200 سال نسبت داد.

وی خاطر نشان کرد: در خلال همان سالها اتفاقی در حال نضح بود که منجر به اعتلای تبریز و تبدیل شدن آن به مرکز تجدد خواهی و مشروطه طلبی بود.

دکتر طباطبایی با اشاره به حوادث تاریخی و سیاسی آن دوره از تاریخ ایران افزود: دربار ایران در زمان فتحعلی شاه یک دربار سرشار فساد و توطئه بود که در اندرونی آن نطفه بسیاری از دسائس و توطئه ها بسته می شد.

وی ادامه داد: در این وضعیت بود که به تبدیل شدن تبریز به عنوان دارالسلطنه دربار قاجار دوباره شد و دربار تبریز به عنوان دربار مهم قاجار مطرح گردید. امری که منجر به آغاز فصلی نوین در تاریخ ایران منجر گشت.

نویسنده کتاب مکتب تبریز، اضافه کرد: تبریز به دلیل نزدیکی به مرزهای روسیه به محلی برای اداره مناسبات جنگ و اقتصاد تبدیل شد و عباس میرزا که مجدانه می کشوید کشور را از بیم و گزند تهدیدات برهاند توانست از این شهر به عنوان یک شهر مهم و استراتژیک بسازد.

وی افزود: عباس میرزا در دیداری که با ناپلئون داشت با طرح این سوال که شما چه می کنید که همواره در جنگ ها پیروز هستید تلاش کرد به سنت قضا و قدر پایان دهد.

به گفته وی تا پیش از آن سوالی که در خصوص نتیجه جنگ ها مطرح بود بحث تقدیر و قضا و قدر بود. امری که نمی توانست آینده ای مطمئن برای جنگ و شگرد مبارزه داشته باشد و امکان پیروزی و شکست را همیشه در گرو قضا و قدر می انگاشت.

وی زایش یک آگاهی جدید را نشانی از آغاز تاریخ جدید توصیف کرد و افزود: با پیدا شدن یک آگاهی جدید است که روند نوسازی ایران آغاز می شود و ایران جدید نطفه اش در تبریز شکل می گیرد.

دکتر طباطبایی گفت: با این آگاهی جدید است که رابطه علی و معلولی آغاز می شود و به دنبال آن اتفاقات مهمی در تبریز می افتد که نتیجه اش به تهران می رسد و در مشروطه خودش را نشان میدهد.

وی تاکید کرد: تبریز منشا تکوین ایران جدید است و دوران آگاهی جدید در تاریخ معاصر از این شهر آغاز شده است.

وی با بیان اینکه ایران بزرگ فرهنگی همواره تاثیرات خود را در نقاط مختلف ایران نشان داده است افزود: به عنوان مثال در دوره ای از تاریخ ایران خراسان مهد رخدادهای مهمی بود که بیش از هر امری خود را در ادبیات نشان داده است.

وی از تبریز به عنوان یکی دیگر از خواستگاه های تاثیرات عمده در تحول گسترده در تاریخ ایران خواند و افزود: این آگاهی جدید که مورد اشاره قرار گرفت تاثیرات خود را از آذربایجان تا قفقاز نشان داده است و در ورای مرزها توانست تاثیر «ایران فرهنگی» را بازتاب دهد.

این فیلسوف سیاسی با «ابلهانه» و «جعلی» خواندن روایت هایی از تاریخ مشروطه شده است یاد آور شد: اینکه گفته می شود مشروطه خواهان اطلاعی از ماهیت آن نداشتند و به تعبیر برخی مورخان آن را به مانند یک «مرغ» آن گونه که همسر سفیر انگلیس در تهران به آنها معرفی کرد قلمداد می کردند، نشان از شناخت نادرست و ابلهانه مشروطه دارد.

وی افزود: در سال 1225 هجری در تبریز عدالت خانه تاسیس شده بود که برگرفته از House Of Justice بود که از غرب الهام گرفته شده بود و توانسته بود به محلی برای دادخواهی مردم تبدیل شود. از این رو آنها می دانستند که چه می خواهند و بی اطلاع از ماهیت آن گفته ای نادرست است که عموماً از سوی برخی مورخان نقل می شود. وی ادامه داد: یکی از تابناک ترین چهره های مشروطه خواه مستشارالدوله تبریزی است که با نگارش کتاب یک کلمه تلاش کرد به امری که فقدان آن جامعه دچار هرج و مرج نموده بود اشاره ورزد. دکتر طباطبایی تاکید کرد: مردم ایران به خوبی می دانستند که دنبال چه چیزی هستند و در استقرار آن فداکاری های بسیاری کردند. این نشست با استقبال گسترده و کم سابقه اساتید دانشگاه، اصحاب فرهنگ و نویسندگان و ناشران و مترجمین تبریزی روبرو شد. /خ
پایان پیام.